

سخن سر دبیر

بصیرت ملت، مشتگی کوبنده به استکبار

«دشمنان ملت از شفاف بودن فضا ناراحتند، فضای شفاف را بر نمی تابند؛ فضای غبار آلود را می خواهند... فضای غبار آلود، همان فتنه است.»

این جملات، بخشی از سخنان رهبرعظیم الشان انقلاب در ۱۳۸۸/۱۰/۲۹ می باشد. فتنه ۸۸ یک موضوع مهم را مطرح کرد و آن بصیرت بود. بصیرت مهم ترین سلاحی است که نه تنها هر فرد بلکه هر ملت باید از آن برخوردار باشد تا بتوان در جنگ با فتنه ها پیروز شود. کمالینکه رهبر انقلاب نیز فرمودند: «بصیرت نورافکن است؛ بصیرت قبله نما و قطب نماست.»

نبود بصیرت انسان را مغلوب و اسیر فتنه ها می کند. به قول ایشان «اگر بصیرت نداشته باشید، دوست را نشناسید، دشمن را نشناسید، یک وقت می بینید آتش توپخانه تبلیغات شما و گفت و شنود شما و عمل شما به طرف قسمتی است که آنجا دوستان مجتمعند، نه دشمنان.»

حماسه ۹ دی ۸۸، مشت محکمی به دشمن زد و نشان داد که در ایران هر فتنه و آشوبی مغلوب می شود. محبت و عشق به سیدالشهداء(ع) به قدری در دل های ملت ایران نفوذ کرده که آنها را در روز ۹ دی به خیابان ها کشاند و موضع خود را به فتنه گران اعلام کردند.

دشمنان ایران ساکت ننشستند و در دی ماه ۹۸ حاج قاسم عزیز را هدف گلوله خود قرار دادند. حقیقتا این حادثه دل مردم را خون کرد و اشک زن و مرد، پیر و جوان را جاری کرد که البته این ترور به بصیرت ملت افزود.

در پی انتقام از آمریکا برای ترور سردار، هواپیمای اوکراینی سقوط کرد و احساسات مردم را جریحه دار کرد. به دنبال این اتفاق خبرهای ضد و نقیضی در فضای مجازی منتشر شد و رسانه های بیگانه علت های مختلفی را برای این حادثه بیان کردند که در نهایت خطای انسانی عامل این حادثه ناگوار شناخته شد. علی رغم انتشار اخبار کذب رسانه ها، آنچه اهمیت داشت بصیرت ملت بود تا در دام دیوستان نیفتند.

رقیه خادم نیا

ولایت فقیه رکن ارکان مردم سالاری دینی «ص ۲»

تبیین و تشریح جایگاه ولایت فقیه در نظام مردم سالاری دینی و اختلاف حکومت اسلامی با سایر حکومت ها



مردی از جنس بصیرت و دانایی «ص ۴»

ملاک شهادت مدار ولایت «ص ۶»

غروب امپراطوری سرخ «ص ۳»

ولایت فقیه رکن ارکان مردم‌سالاری دینی

تبیین و تشریح جایگاه ولایت فقیه در نظام مردم‌سالاری دینی و اختلاف حکومت اسلامی با سایر حکومت‌ها

● زهرا عظیمی

بگذارد و رای اکثریت مردم مسلمان، در قالب خرد جمعی، شایسته‌ترین فرد را به جهت حاکمیت انتخاب می‌کند. به عبارتی ولی فقیه دارای «مشروعیت الهی» و «مقبولیت مردم» است و فرد لایق، همان ولایتی را که رسول الله (ص) در امر جامعه داشت، دارا می‌باشد و اطاعت از وی، بر مردم واجب است.

چهارم) همانطور که در ابتدای سخن اشاره به پیشینه نظریات حکومت اسلامی و ولایت فقیه شد، حکومت مردم‌سالاری دینی نیز اساساً وام‌دار نظام دموکراسی غربی نیست. اینطور نیست که پس از انقلاب اسلامی پسوند «دینی»، به شیوه حکمرانی «دموکراسی غربی» اضافه شده باشد؛ بلکه خود «مردم‌سالاری» نیز از «دین»، یعنی نظریه حکومت اسلامی و ولایت فقیه گرفته شده است. یعنی خاستگاه و مبانی حکومت مردم‌سالاری دینی که «ولایت فقیه»، رکن اساسی آن است، با آنچه در غرب گفته شده متفاوت است و از سیره اهل بیت و روایات معصومین (ع)، گرفته شده است.

اجمالاً باید گفت نظام جمهوری اسلامی شیوه‌ای نوین از حکومت اسلامی است که توسط امام خمینی بنیان گذاشته شد. ولی فقیه، «اختیارات حکومتی» را دارا می‌باشد که البته در یک سطح پایین‌تر سه قوه مجریه، مقننه و قضائیه در عرض یکدیگر به ولی فقیه در اداره نظام کمک می‌کنند؛ فلذا در مردم‌سالاری دینی، «استقلال قوا» وجود دارد و نه «تفکیک قوا»؛ چرا که هر سه زیر نظر ولایت فقیه قرار دارند.

که این حکومت، مشروط به اجرای قوانین اسلام است و باید قوانین و احکام اسلام را در جامعه پیاده کند. نظام‌های غربی بر این اساس طراحی شده‌اند که هر کسی که شروط عمومی را دارا باشد، می‌تواند متصدی حکومت و حکمرانی شود. برعکس، در نظام اسلامی هر کسی شایستگی ورود به عرصه حکومت را ندارد. حاکم نظام سیاسی، باید «مشروعیت» و «مقبولیت» داشته باشد. جالب اینجا است که برخی از نظریه‌پردازان، حکومت اسلامی و به خصوص نظام مردم‌سالاری دینی را به دلیل وجود «ولایت فقیه» در آن، به «استبداد دینی» متهم می‌کنند؛ در حالی که در اصل، ولایت فقیه برای گریز از استبداد حاکم است.

دوم) در حکومت مردم‌سالاری دینی، ولی فقیه اختیاراتی دارد و این اختیارات بر اساس «وظیفه» است و نه اینکه مقام ولی فقیه همان مقام رسول الله (ص) است؛ زیرا رسوالت (ص) و ائمه (ع)، علاوه بر اختیارات حکومتی، دارای ولایت تکوینی و معنوی نیز هستند. در نظام مردم‌سالاری دینی، هر آنچه از شئون رسول الله (ص) و ائمه (ع) که قابلیت نیابت دارند، بر عهده ولی فقیه می‌باشد.

سوم) در نظام مردم‌سالاری دینی، جایگاه مردم به رسمیت شمرده می‌شود و از ارکان اساسی حکومت، مردم هستند. ولی فقیه در حکومت اسلامی، در وهله اول باید دو شرط اساسی را دارا باشد: ۱. فقاقت و علم به قوانین اسلام؛ ۲. عدالت: یعنی کسی باشد که در اجرای قوانین اسلام، اسیر هوا و هوس نشود و ظلمی نکند. در وهله دوم فقیه حائز شرایط، باید خود را در معرض رای و انتخاب مردم

مسئله حکومت اسلامی و ولایت فقیه از دیرباز در میان علما و فقهای اسلام مطرح بوده است؛ البته پس از انقلاب اسلامی، تبیین و اجرای این بحث در نظام مردم‌سالاری دینی، جدی‌تر و رایج‌تر شد. امام خمینی در کتاب ولایت فقیه خود اشاره می‌کنند که ولایت فقیه چندان به برهان، احتیاج ندارد؛ چرا که هرکس احکام اسلامی را حتی اجمالاً دریافته باشد، به ولایت فقیه می‌رسد. اینکه امروز، به ولایت فقیه چندان توجهی نمی‌شود و احتیاج به استدلال‌ها و اثبات‌های گوناگون پیدا کرده است، به علت اوضاع اجتماعی نابه‌سامان مسلمانان، نفوذ استعمار و خصوصاً کم‌کاری حوزه‌های علمیه است.

تشکیل «حکومت اسلامی»، جزئی از «ولایت» است. در واقع از آنجایی که قانون، «مجری» لازم دارد و صرف وجود قوانین درست و اسلامی کافی نیست؛ در نتیجه، در جامعه نیز حکومت باید اسلامی باشد. اگر نگاهی به خود احکام و قوانین اسلام بیندازیم، متوجه می‌شویم که خیلی از این احکام و قوانین بدون داشتن حکومت و قوه اجرایی امکان‌پذیر نیست. مثلاً احکام مالی اسلام، احکام دفاع ملی، احکام قضایی اسلام و ... از جمله قوانینی است که حتماً باید نظام سیاسی مستقر باشد.

طبق بیان امام خمینی، هر نظام سیاسی غیر اسلامی نظام شرک‌آمیز است؛ چون حاکم آن طاغوت است. حال باید پرسید اختلاف حکومت اسلامی با سایر حکومت‌ها در چیست؟

اول) حکومت اسلامی، «حکومت مطلق» نیست؛ بلکه «حکومت مشروطه» است. مشروط به این معنا

غروب امپراطوری سرخ

۱۹ اوت ۱۹۹۱ سالروز سقوط شوروی مصادف با ۵ تیر

● هدیه گیاه تازه



تاریخ شوروی، تاریخ کشوری است آنقدر وسیع که خورشید در قلمرو آن غروب نمی‌کند و آنقدر عمیق و پیچیده که همچنان کتب تاریخی بسیاری از گذشته آن چاپ می‌شود و همچنان مطالب بدیع در آن بسیار یافت می‌شود. در تاریخ طولانی و عمیق این کشور چندبار سقوط نظام حاکم و چند بار فروپاشیدن دیده می‌شود از انقلاب اکتبر و پایان حکومت تزاری تا روی کار آمدن کمونیسم و امضا قرارداد کشورهای متحد المنافع و تبدیل به روسیه کنونی همواره فراز نشیب های بسیاری در تاریخ این کشور دیده می‌شود. آنچه که امروز کمی در باره اش می‌خوانیم مربوط به آخرین سقوط نظام حاکم و پایین کشیده شدن پرچم داس و چکش و بالا رفتن پرچم سفید و سرخ و آبی کنونی است. شوروی و آمریکا وارد مرحله تازه ای از جنگ سرد با روی کار آمدن رونالد ریگان و میخائیل گورباچف شدند. جنگ سردی که فقط یک جرقه نیاز داشت تا به یک جنگ هسته‌ای ای تمام عیار تبدیل شود و حتی کره زمین را برای همیشه برای ساکنانش غیر قابل سکونت کند. جدای از مذاکره گورباچف با ریگان برای پایان این وضعیت و بد عهدی همیشگی آمریکا و ضربه شدید به اقتصادی کمونیستی کشور فاتح جنگ دوم، روسیه. چند اتفاق رخ داد که از بروز این جنگ تمام عیار جلوگیری کرد. ریگان که فردی ریسک پذیر بود تصور می‌کرد که فرصت در هم کوبیدن شوروی را یک بار برای همیشه خواهد داشت پس با مانورهای نظامی سنگین سعی داشت که نیروهایش را برای حمله بزرگ آماده کند این مانورهای نظامی مقامات روس را تحت فشار عصبی زیادی قرار می‌داد که متقابلاً آنها هم سعی در بالا بردن توان نظامی

خود داشتند. برای مثال شوروی طی عملیات پیچیده نظامی موشک‌های هسته‌ای ای زیادی را در کوبا که متحد خودش بود و به آمریکا نزدیک، پیاده کرد. در مراحل پایانی عملیات، هواپیما های جاسوس آمریکایی متوجه این موضوع شدند و اقدام به گشتن کشتی های روس کردند، روسیه هشدار داد که این حرکت آمریکایی‌ها به منظور اعلان جنگ است. آمریکا که از یک جنگ تمام عیار و همه داشت کوبا را محاصره کرد و هشدار داد که از حرکت نیروی های شوروی جلوگیری می‌کند، در راستای این حرف اقدام به ریختن اژدر در دریا کرد در این میان افسر نیروی دریایی شوروی دریادار آرخیپوف فرمانده زیر دریایی کلاس جدید روسیه بود که اجازه داشت بدون هرگونه مذاکره با مسکو از موشک هسته‌ای ای استفاده کند. (البته در این زمان به دلیل مشکل فنی و ذوب شدن راکتور ارتباط هم با مسکو قطع بود) برای شلیک موشک به نظر مثبت ۳ نفر از ۵ نفر فرمانده ارشد نیاز بود که با منفی بودن نظر آرخیپوف موشک شلیک نشد و جنگ ادامه پیدا نکرد. دومین اتفاق که جهان را حفظ کرد عقلانیت سرهنگ پتروف بود، پتروف که در آن زمان افسر ارشد سیستم های ماهواره ای بود وظیفه داشت در صورت مشاهده موشک در

رادار کلید قرمز را فشار دهد تا پاتک سنگین شوروی به سمت آمریکا و کشورهای عضو ناتو صورت گیرد. (در این صورت کره زمین دیگر قابل زندگی نبود) در آغاز صبح پتروف یک موشک را روی رادار مشاهده کرد، تنها کاری که باید انجام می‌داد گزارش به مراتب بالاتر بود، پتروف برای این کار تنها نیم ساعت وقت داشت، خودش می‌گوید در آن لحظات با یک چشم کشورم را می‌دیدم که با خاک یکسان شده و با چشم دیگر کره زمین که دیگر جای زندگی نیست. او با خودش اینطور استدلال کرد که اگر آمریکا قصد حمله را داشته باشد با یک موشک این کار را نمی‌کند پس گزارشی اعلام نکرد، چند ساعت بعد که چهار موشک را در رادار دید مطمئن شد که سامانه با مشکل کار میکند پس اینبار به مراتب بالاتر گزارش داد که سامانه دچار مشکل شده و حدسش درست بود. این جنگ هسته‌ای ای کشنده هیچ گاه رخ نداد، اما بد عهدی آمریکا در مذاکره منجر به از هم پاشیدن اقتصاد شوروی و قیام مردمی شد. در ۲۵ دسامبر ۱۹۹۱ گورباچف از سمت خود کناره‌گیری کرد، رقیب سرسخت او یلتسین رئیس جمهور شد که با فروپاشی شدید اقتصادی و سیاست های غلط، شوروی به کشور کنونی روسیه تبدیل شد.

مردی از جنس بصیرت و دانایی

نقش ولی فقیه در مدیریت بحران فتنه ۸۸

● مهرناز خانزاده



داشتند چون مشارکت مردم در انتخابات مایه اقتدار و تثبیت نظام مردم سالاری دینی است. ایشان بارها در سخنرانی‌ها گفته‌اند که هدف دشمن کاهش مشارکت مردم است اما آن سال ۵۸ درصد از مردم در رای‌گیری شرکت کردند که همین مشارکت خاری بود در چشم دشمن.

دشمن که همیشه دارای پلان دومی هست و در حال زمینه‌سازی برای انجام آن است، پس طرح شبهه احتمال تقلب در انتخابات ۸۸ از چند ماه پیش از انتخابات در دستور کار رهبران و اتاق‌های فکر جریان اصلاحات قرار گرفته بود و از همان آغاز رقابت‌های انتخاباتی این سناریو طراحی شد و از روی تیپ‌های مختلف جریان اصلاحات به طور هماهنگ به اجرا درآمد. ولی فقیه با رزفای نظر خود این سناریو را تشخیص داده بود و بارها در سخنرانی‌های خود قبل و بعد از برگزاری انتخابات هشدار داده بودند به طور مثال در ۴۱ خرداد

رهبری با توسل به آموزه‌های الهی و قرآن و سیره و روش پیامبر و ائمه بود؛ سکوت رهبر در قبال نامه‌ای که هاشمی رفسنجانی برایشان فرستادند نشان از پختگی سیاسی ایشان داشت. چون هر واکنش دیگری نسبت به این نامه باعث می‌شد فضای انتخاباتی کشور با تنشها و چالش‌های بیشتر روبه‌رو شود که این سکوت رهبر برگرفته از سکوت ۵۲ ساله امام علی (ع) بود. بهره‌گیری به جا و هوشمندانه معظم له از مفاهیم دینی مرتبط به کلید واژه‌هایی چون فتنه، بصیرت، صبر، انصاف، امتحان عظیم، پرهیز از تهمت، مراقبت در گفتار، ... و همچنین بازخوانی غریبه‌های تاریخی صدر اسلام از دیگر ویژگی‌ها و ظرفیت‌های بسیار بالای علمی و فقهی رهبر بوده است.

مقام معظم رهبری همیشه بر مشارکت حداکثری مردم در انتخابات مختلف و انتخاب آزادانه فرد مورد نظر هر کسی تاکید

اتفاقات سال ۱۳۸۸ که از قبل از انتخابات شروع شد و تا دی ماه آن سال طول کشید، فتنه‌ای بود که دشمنان خارجی نظام جمهوری اسلامی ایران با کمک دوستان دیروز دشمنان امروز رقم زدند. هدف این افراد، براندازی نظام و تقلب در شمارش آرا انتخابات بود.

حوادث سال ۸۸ که یکی از پیچیده‌ترین شرایط سه دهه گذشته انقلاب اسلامی بود باعث شد بسیاری از ظرفیت‌ها و واقعیت‌های نظام محک بخورد و آزموده شود. در ایامی که دشمنان خارجی و داخلی دست به دست هم داده بودند تا پرچم انقلاب را به زمین بیندازند، رهبر به عنوان شخص اول نظام و کشور نقش بسزا و محوری در این شرایط داشت چون اگر بصیرت، سیاست، شرایط و مدیریت بحران رهبری نبود قطعاً اتفاقات و تبعات جبران‌ناپذیری برای کشور و انقلاب به وجود می‌آمد.

هوشیاری و حسن تدبیر مقام معظم

در صحنه نگه داشتن مردم به عنوان پشتیبانان نظام اسلامی همواره یکی از تدابیر معظم له در مدیریت سیاسی جامعه به ویژه در بحران‌ها بوده است.

در پی مدارای نظام و رهبری در برابر جریان فتنه که با هدف آگاه‌سازی آنها و به وجود آوردن شرایط برای جبران اشتباهات انجام شد، مردم وارد عرصه دفاع از نظام و انقلاب شدند که اوج آن در ۹ دی بود.

مدیریت و روشنگری‌های شگرف و نافذ مقام معظم رهبری و حماسه‌آفرینی ملت در ۹ دی نماد پیمان از هم‌ناگسستگی ملت ایران با ولایت فقیه و سند پایبندی آنان به آرمان‌های بلند انقلاب و امام و رهبری است. همچنین این پیمان نشان دهنده یک نظام مردم سالار دینی با رهبری فردی لایق، دانا و تواناست و این مدیریت مدبرانه مقام معظم رهبری در فضای ۸۸ می‌تواند الگوی مناسبی برای عملکرد مدیران و مسئولان در سطوح مختلف نظام قرار بگیرد.

می‌خواهد به ذهن مردم را رسوخ بدهد نگویید».

اینها نشان دهنده آینده‌نگری رهبر است که از ماه‌ها قبل دشمن کرده بود و نسبت به آن به مردم و به مسئولین هشدار داده بودند.

در آن روزهای بعد از انتخابات رهبر به شدت روی قانونگرایی تاکید داشتند و خودشان از قانون و قانون مداری در برابر مطالبات فراقانونی عده‌ای پایین نیامدند. ایستادگی و برخورد قاطع ایشان در مقابل مسائلی همچون تشکیل شورای حل مسئله و ابطال انتخابات مانع بزرگی بر سر راه برخی جریانهای سیاسی داخلی و خارجی ساخت و از تحقق انقلاب مخملی در داخل ایران جلوگیری کرد.

رهبر با درایت سیاست در آن شرایط تمام رای‌دهندگان را در دایره نظام جمهوری اسلامی ایران قرار دادند و بیان کردند این مردم سرمایه‌های این کشور و نظام هستند. این کارشناسی از چند دستگی مردم جلوگیری کرد و موجب ایجاد وحدت شد. حتی با ذکر سوابق انقلابی و دفاع از گذشته یک سری از افراد مسیر بازگشت آنها را باز گذاشتند.

۸۸ ایشان می‌فرمایند: «نکته اول این است که از دو سه ماه قبل از این رادیوهای بیگانه شروع کردند به بدنام کردن مردم. گاهی گفتند: این انتخابات نیست. انتصابات است. گاهی گفتند: این یک بازی کنترل شده درون حکومت است. گفتند: این کاندیداها خودشان دارند بازی می‌کنند. نامزدهای مختلف می‌بینید با هم اختلاف نظر دارند، اینها هم ظاهرسازی است. بازی است. گاهی گفتند: در انتخابات قطعاً تقلب انجام خواهد گرفت. هر وقتی یک چیزی گفتند. مقصود از همه این تخریبها یک چیز است و آن این که می‌خواهند ملت در انتخابات مشارکت قوی و نمایان این کند».

رهبر در ۹۲ خرداد پس از برگزاری انتخابات و آغاز فتنه یک یادآوری عبرت آموز کردند: «این خط را پیش از انتخابات شروع کردند. از دو سه ماه پیش از این. من اول فروردین در مشهد گفتم هی دارند دائماً به گوشها می‌خوانند، تکرار می‌کنند که بناست در انتخابات تقلب بشود. می‌خواستند زمینه را آماده کنند. من آن وقت به دوستان خوبم آن در داخل کشور تذکر دادم و گفتم که این حرف را که دشمن





ملاک شهادت، مدار ولایت

مصاحبه‌ی واحد سیاسی انجمن دانشجویان دانشگاه اسلامی الزهرا(س) با جناب آقای رضا امینی، معلم بسیجی حاضر در جبهه‌ی ۸ساله، اعزامی از استان کرمان شهرستان شهر بابک

۳. از نظر شما چه ویژگی‌هایی مکتب حاج قاسم را از سایر مکاتب متمایز می‌کند؟

اگر به ویژگی‌های مکتب حاج قاسم حتی بطور اجمال اشاره شود متوجه تمایز آن با سایر مکاتب خواهید شد که به بعضی از ویژگی‌ها بطور اجمال اشاره می‌کنم: الف) مکتب حاج قاسم مکتب توسل بود. هم توسل به اسباب مادی مثل نیروی ماهر و ورزیده، تجهیزات مدرن و به‌روز و هم توسل به اسباب معنوی مثل ذکر، نماز، تقوا، صبر، شکر و غیره. دقیقاً عنایتش به آیه ۳۵ سوره مائده بود که می‌فرماید یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله وابتغوا الیه الوسیله...

ب) مکتب او، مکتب اراده است. (خواستن توانستن است) و برای این خواستن شرایطی قائل بود. چه

سادگی از آن عبور کرد؟ برای عبور از این ترورها چه باید کرد؟

به نظر حقیر ترورها چند عامل دارند: ۱. اینکه دشمن طرف مقابل را قوی می‌بیند لذا برای مقابله با طرف مقابل دست به ترور می‌زند. ۲. دشمن وقتی نیروهای قوی مردمی را ترور می‌کند می‌خواهد ضمن از میان برداشتن آنها محیط نا امنی هم ایجاد کند که نیروهای مردمی جرات حضور در بین مردم را نداشته باشند. یعنی قطع ارتباط مسئولین با مردم. ۳. البته در ترور نخبگانی مثل حاج قاسم و شهید فخری‌زاده و حتی بهشتی‌ها و رجایی‌ها و ... عامل نفوذ خیلی چشمگیر بوده است که برای عبور از این ترورها باید نیروهای اطلاعاتی و امنیتی قوی‌تر و قاطع‌تر عمل کنند تا مانع نفوذ شوند.

۱. لطفا یک معرفی کوتاه از خود داشته باشید و نحوه آشنایی و میزان ارتباط خود با شهید سپهبد حاج قاسم سلیمانی بفرمایید.

حقیر رضا امینی آشنایی و ارتباطم با حاج قاسم از طریق حضور در جبهه‌های نبرد حق علیه باطل به عنوان یک بسیجی ساده و معمولی بود که ایشان در راس فرماندهی لشکرمان بودند.

۲. نظر شما درباره ترورهای که صورت می‌گیرد چیست؟ آیا این ترورها را مایه‌ی افتخار خود و ضعف دشمن بدانیم یا نشانه‌ی کم‌کاری در حفاظت از نخبگان سیاسی و علمی؟ آیا دو ترور حاج قاسم و شهید فخری‌زاده، با فاصله اندک امری است که می‌توان به

ابعاد اصلی آن ولایت فقیه است، جاری و ساری شود؟ چرا با وجود آشکار بودن لزوم ولایت‌پذیری باز هم عده‌ی قابل توجهی حاضر به اطاعت از ولی فقیه نیستند؟

پیشنهاد حقیر این است که این عنوان کلی به صورت جزئی و مصداقی تبیین شود. برای ذکر مصداق مثلا چون جامعه و بخصوص جوانان حاج قاسم را به عنوان یک قهرمان ملی و امتی قبول دارند و دوست دارند از او الگوپذیری کنند پس شایسته است در ابعاد و مصداق جزئی ولایت‌پذیری حاج قاسم نشان داده شود تا این حالت و این روحیه در بین افراد جامعه ساری و جاری شود.

پزشک است. در امور اداری ولی امر مدیر است. در امورگردشی ولی امر راهنما است. در امور جهادی ولی امر ولی فقیه است که اطاعت از او برای جهادگران واجب است. سایر مردم هم در هر رسالتی که قرار دارند باید ولی امر خود را بشناسند و حال در زندگی اجتماعی در قالب جمهوری اسلامی ولی امر ولایت فقیه می‌باشد پس اطاعت از او واجب است و ما این درس ولایت‌پذیری را باید از حاج قاسم بیاموزیم.

۵. چه پیشنهادی دارید که ولایت‌پذیری حاج قاسم در سطح مردم و مسئولین و نظام مردم سالاری دینی، که یکی از

بخواهیم؟ (هدف) چگونه بخواهیم؟ (استراتژی) تا کجا بخواهیم؟ (جایی که خدا بخواهد-رضایت الهی)

ج) مکتب او، مکتب حرکت و برکت بود. بحث مهم در حرکت این است که موضوعیت حرکت را قرآن و احادیث و اما طریقت حرکت را شهدا و اولیای الهی مشخص می‌کنند.

د) مکتب او، مکتب تکلیف‌گرایی بود. در این باره باید گفت اصل بر انجام وظیفه است و حصول نتیجه فرع است.

ه) مکتب او، مکتب ولایت‌مداری است که فرد را مقید به اطاعت از ولی امر می‌کند و نه اطاعت از هوای نفس.

۴. یکی از ابعاد مشخص مکتب حاج قاسم ولایت‌مداری است. در این باره نظر خود را بفرمایید.

ولایت‌مداری انسان را مقید می‌کند. اطاعت از ولی و نه اطاعت از چیز دیگر ریشه‌ی قرآنی دارد. آیه‌ی ۵۲ سوره‌ی فرقان می‌فرماید: «ولاتطع الکافرین وجاهدکم به جهادا کبیرا» دستور این آیه دقیقا مدنظر حاج قاسم بوده که نه تنها از کفار و مستکبران تبعیت نکند بلکه با آنها جهاد هم بکند. آن هم جهاد کبیر و در همه‌ی ابعاد. برای ورود به اینگونه جهاد کبیری لازم است فرد تابع ولی امر باشد و ولایت‌مداری را عملا نشان دهد. همانطور که در انواع ولایت این تابعیت صدق می‌کند و کسی که حرف آخر را می‌زند نقش ولی را دارد. در امور ورزشی ولی امر مربی است. در امور آموزشی ولی امر استاد است. در امور درمانی ولی امر



انجمن اسلامی دانشگاه الزهرا (س) در صفحات مجازی:

صاحب امتیاز: انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه الزهرا (س)

@anjoman_islami_alzahra
@anjomanalzahra

مدیر مسئول: کوثر پاریزی

سردبیر: رقیه خادم‌نیا

هیئت تحریریه: مهرناز خان‌زاده، زهرا عظیمی، رقیه خادم‌نیا، هدیه گیاه تازه

صفحه آرا: مرضیه انبری

شماره تماس: ۰۹۱۳۹۹۶۸۶۱۱ / ۰۲۱۸۸۰۴۸۰۲۶